موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 34، حدیث تشبیه

سخن در مراجعه 48 بود. این مراجعه به درخواست شیخ سلیم مطرح شده بود که از امام شرف الدین خواستند که احادیثی که از پیامبر اکرم (ص) درباره امامت امیرالمومنین (ع) آمده است بیان کند. مرحوم شرف الدین 40 روایت را در این مراجعه نقل کردند که به حدیث شماره 34 رسیدیم.

در این روایت که به حدیث تشبیه معروف است، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من أراد أن ينظر إلى نوح في عزمه، و إلى آدم في علمه، و إلى إبراهيم في حلمه، و إلى موسى في فطنته، و إلى عيسى في زهده، فلينظر إلى علي بن أبي طالب»[[1]](#footnote-1): هر کس می خواهد به نوح (ع) بنگرد در عزم و اراده اش و به آدم (ع) بنگرد در علم و دانش اش و به ابراهیم (ع) بنگرد در حلمش و به موسی (ع) بنگرد در اقتدار و صلابتش و به عیسی (ع) بنگرد در زهد و عبادتش، به علی بن ابیطالب (ع) بنگرد.

گفته شد این روایت و روایت های مشابه، از جهت متن و موارد تشبیه متفاوت اند. منشا این تفاوت ها می تواند بیان آن در زمان ها و مکان های مختلف و افراد گوناگون باشد. و چون آنچه بیان شده ناسازگاری با هم ندارد، این تفاوت ها موجب اضطراب متن نمی شود و احتمال بیان شده برای اثبات آن کافی است. گرچه قرائن و شواهد، نشان دهنده آن است که این روایت در زمان های گوناگون و جمع های مختلف از صحابه مطرح شده است.

نکته دیگر اینکه این روایت توسط تعدادی از صحابه مانند ابوالحمراء، ابن عباس، ابن مسعود، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر غفاری، ابوهریره، سلمه بن قیس و امام حسین (ع) نقل شده است.

تعداد زیادی از عالمان اهل سنت و شیعه این روایت را نقل کرده اند. در مورد اعتبار حدیث نیز گفته شد:

اولا این روایت از ده نفر از صحابه نقل شده است، و طبق یکی از دیدگاه ها در تواتر، اگر حدیثی را ده نفر نقل کنند آن حدیث متواتر خواهد بود. سیوطی این قول را در بحث تواتر، اجود می داند.

ثانیا: در اینکه این روایت طرق متعددی دارد شکی نیست و یکی از قواعد علم حدیث این است که تعدد طریق ضعف در روایت را جبران می کند (مگر در برخی ضعف های خاص)

ثالثا: طبق یکی از قواعد راهگشا در علم حدیث ممکن است سند حدیثی دچار ضعف باشد و از این جهت نتوان اعتبار آن را اثبات کرد، اما اگر متن به گونه ای است که صحت آن قطعی است (مانند اینکه از مباحث روشن عقلی باشد یا آن مضمون در نقل معتبر دیگر به صورت پراکنده آمده است) از این جهت می توان اعتبار آن را ثابت کرد و گفت که این سخن معصوم است. مانند مطلبی که درباره دعای توسل گفته می شود که سند معتبری ندارد اما تمامی مطالب آن به صورت مطلق و گاه خاص در روایات معتبر دیگر وارد شده است.

این راهی برای اطمینان پیدا کردن برای صحت حدیث است. در ما نحن فیه هم مساله همین گونه است که اگر فرض کنیم سند روایت تشبیه قابل اطمینان نباشد، همین که مضمون آن در جاهای دیگر آمده کافی در اعتبار آن است. مثل احادیثی که درباره علم امیرالمومنین (ع) آمده است و بیان می کند که ایشان از علم ویژه ای یک درجه پایین تر از پیامبر اکرم (ص) برخوردار بودند.

اشکال

ابومریم اعظمی در مورد نقل این روایت از صحیح بیهقی و مسند احمد بن حنبل گفته است اولا: ابن ابی الحدید یک رافضی است و استناد به سخن وی در بحث با اهل سنت صحیح نیست. ثانیا: استناد به این دو نفر کذب است زیرا نه احمد در کتاب مسند و کتاب های دیگر خود آن را نقل نکرده و نه بیهقی آن را نقل کرده است.[[2]](#footnote-2)

پاسخ

1. این حدیث را دیگران نیز از بیهقی و احمد بن حنبل نقل کرده اند. مثلا شهاب الدین هندی در کتاب «الهدایه السعداء» از کتاب الصحائف، شمس الدین سمرقندی آن را نقل کرده است. همچنین خطیب خوارزمی در کتاب المناقب، ابن طلحه شافعی در کتاب مطالب السئول، ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه، میبدی در کتاب شرح دیوان امیرالمومنین (ع) آن را نقل کرده اند. بدخشانی و عجیلی شافعی نیز آن را نقل کرده اند.[[3]](#footnote-3)

2. از اینکه بیهقی ملتزم شده در تصانیف خود حدیثی که علم به صحت آن را ندارد نقل نکند، به دست می آید که اینکه گفته است در صحیح بیهقی این حدیث آمده منظور یک کتاب خاص به نام صحیح نیست، بلکه ذکر آن در آثار وی است. صاحب کتاب المشکات در باره برخی عالمان اهل حدیث از جمله بیهقی گفته است «اذا نصب الحدیث الیهم کانی اسندت الی النبی» یعنی در صحت آن اطمینان دارم. علی بن سلطان قاری، کتاب مشکات را شرح کرده و در توضیح این عبارت گفته است مراد همه احادیثی است که به این افراد نسبت داده است.[[4]](#footnote-4)

جلال الدین سیوطی در نقد ابن جوزی که حدیث را ضعیف دانسته، گفته است این روایت را بیهقی در کتاب الاسماء و صفات آورده و او نیز متلزم شده در نوشته های خود حدیثی که موضوع می داند نقل نکند.[[5]](#footnote-5)

دلالت حدیث تشبیه بر امامت امیرالمومنین (ع)

این حدیث دلالت بر افضلیت امیرالمومنین (ع) می کند و از این جهت امامت ایشان را اثبات می کند. اهل سنت بنا بر گفته تفتازانی، افضلیت را لازم در امامت می دانند. گفت و گوهایی که از سقفه نقل شده است نیز نشان می دهد که اصل افضلیت در امامت مورد نظر بوده است. در برخی نقل ها آمده که عمر به ابوعبیده جراح گفت « امدد يدك أبايعك‏». ابوعبیده گفت با وجود ابوبکر نوبت به من نمی رسد. تفتازانی می گوید معظم اهل سنت معتقد هستند که افضلیت در امامت شرط است مگر اینکه باعث مشکل بزرگی مانند هرج و مرج شود.

اینها بدان خاطر این مساله را مطرح کردند تا آنچه در بعد از پیامبر (ص) اتفاق افتاده است را توجیه کنند و اینگونه گفته اند که اگر امیرالمومنین (ع) می خواست امام شود، مشکلاتی به وجود می آمد.

آیا حدیث مشابهت و روایات مربوط به آن دلالت بر افضلیت امیرالمومنین (ع) دارد یا نه؟ اگر با یک نگاه عقلایی و عرفی و خالی از پیش داوری بنگریم می بینیم که دلالت آن بر افضلیت روشن و متبادر است. در این روایت پیامبر اکرم (ص) برای هر یک از انبیا ویژگی شاخصی را بیان کرده است و همه اینها در امیرالمومنین (ع) جمع است. معنای آن این است که اگر امیرالمومنین (ع) با تک تک اینها مقایسه شود مساوی با آنان است. حال اگر بگوییم تمام این ویژگی های شاخص در امیرالمومنین (ع) جمع است بیان گر افضلیت و برتری بر آنان است. پس از این روایت افضلیت امیرالمومنین (ع) بر هر کدام از انبیا الهی ثابت می شود. اکنون می گوییم که انبیاءالهی بلا خلاف بر صحابه برتر بوده اند و این نشان می دهد امیرالمومنین (ع) یک برتری چشم گیری بر صحابه داشته اند.

مثال عرفی: در میان مردم افرادی هستند که به صفات ویژه ای مانند علم، شجاعت و سخاوت مشهورند. زید در شجاعت، عمرو در سخاوت و بکر در علم برجسته است. حال اگر گوینده ای حکیم و مورد اعتماد بگوید: اگر می خواهید یک نفر را پیدا کنید که تمام این ویژگی های شاخص را داشته باشد به فلانی نظر کنید، مردم می فهمند که این نفر برتر از دیگران است، زیرا صفات برجسته دیگران را به تنهایی دارد.

اشکال

عبدالعزیر دهلوی صاحب التحفه اثنی عشریه سه اشکال کرده است. ( کتاب وی فارسی بوده و تعریب و تلخیص شده و به صورت مختصر تحفه اثنی عشریه در آمده است. تعریب آن توسط اسلمی و تلخیص آن توسط محمود آلوسی صورت گرفته است).

1. تشبیه فردی بر فرد دیگر دلالت بر برابری و مساوات آن دو ندارد، بلکه صرفا بیان می کند که او نیز این صفت را دارد.

2. اگر کسی مساوی با افضل در یک صفت باشد، دلیل نیست که وی در همه صفات افضل باشد.

3. برتری امیرالمومنین (ع) بر خلفا نیز طبق این حدیث ثابت نیست زیرا در احادیث دیگری خلفا هم تشبیه شده اند، مانند اینکه در احادیث صحیح، ابوبکر به ابراهیم (ع) و عمر به نوح (ع) و ابوذر به عیسی (ع) تشبیه شده اند.

پاسخ

با توجه به آنچه گفته شد پاسخ این اشکالات روشن است.

1. اشکال اول وارد نیست زیرا اصل اولیه و عرفی این است که وقتی یک فرد با فرد دیگر تشبیه شود به این معنا است که وی با او برابر است مگر اینکه دلیل خاصی بر غیر آن باشد.

2. اشکال دوم هم وارد نیست زیرا پیامبر گرامی اسلام (ص) که امیرالمومنین (ع) را به صفات ویژه ای تشبیه کردند به این معنا است که آن نبی در آن صفت شاخص بوده است، علاوه بر اینکه مجموعه صفات شاخصی که در آنها است در یک نفر جمع می شود و این نشانه افضلیت اوست.

در جلسه آینده انشاءالله ادامه بحث دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، امام شرف الدین، ص 343 [↑](#footnote-ref-1)
2. الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص 494 [↑](#footnote-ref-2)
3. نفحات الازهار، ج 19، ص 120 [↑](#footnote-ref-3)
4. المقرات فی شرح المشکات، علی بن سلطان، ج1، ص 27 [↑](#footnote-ref-4)
5. اللئالی المصنوعه، سیوطی، ج1، ص 12 ؛ نفحات الازهار، ج19، ص 120 [↑](#footnote-ref-5)